

دین‌داری و توفیق اقتصادی

(تحلیلی کیفی در بین توانگران تهرانی)^۱

سعید وصالی*، فرشاد مؤمنی**، سعید ذکایی***، ساناز اسماعیلی****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲

چکیده

اسلام همواره پیروان خود را به کسب مواهب مادی (مقبول و مشروع) سفارش کرده است. این مطالعه با هدف بررسی دین‌داری و توفیق اقتصادی توانگران تهرانی انجام گرفته است. از رویکرد وبر، رودنسون و جامو به مثابه رهیافت نظری استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه کلیه متمولان ساکن شهر تهران هستند. روش نمونه‌گیری به صورت گلوله برفی بود. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق فردی بود. حجم نمونه ۱۵ نفر انتخاب شد که این تعداد بر اساس معیار اشباع نظری امکان‌پذیر شد. داده‌های گردآوری شده با استفاده از کدگذاری تحلیل مضمون، تجزیه و تحلیل شدند. بر این اساس، ۵۲۴ کد باز و اولیه، ۵۲ مقوله فرعی و ۸ مقوله اصلی استخراج شد که آنها را دو دسته مقولات متعین و ثابت و مقولات نسبی و حساس دسته‌بندی کردیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که دین‌داران مورد مطالعه، دین‌داری خود را در «توفیق یعنی پایبندی به دین، اقتصاد و انسان اجتماعی، نفی خودابرازگرایی نمادین، حمایت شبکه‌ای، درک موقعیت (مقولات متعین)، هویت شبکه‌ای، قبض و امساک اختیاری، ارزیابی/عملکرد دائمی فعالیت‌ها (مقولات نسبی و حساس) تعریف کرده و لذا توفیق اقتصادی خود را فعالانه در چارچوب نوعی عقلانیت خیراندیش باز تولید می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که دین‌داران با نفی روابط صرفاً هزینه/فایده‌گرایانه و دوری جستن از انسان صرفاً اقتصادی، نوعی انسان دینی/اجتماعی از خود بروز می‌دهند که معیار آن عقلانیت خیراندیش و قبض و امساک اختیاری است.

واژه‌های کلیدی: دین‌داری، توفیق اقتصادی، عقلانیت خیراندیش، نفی خودابرازگرایی.

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده چهارم است که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی انجام شده است.

* دانشیار رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). saidvesal2005i@yahoo.com

** استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. farshad.momeni@gmail.com

*** استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. saeed.zokaei@gmail.com

**** دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. sanazn79@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

مفهوم دین و دلالت‌های آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی افراد و جوامع همیشه مدنظر محققان آن بوده است. این ادعا که «مذهب و رفاه» با هم رابطه دارند توسط محققان مختلف (آنو و واسکانسلز^۱، ۲۰۰۵؛ گئورگ و همکاران^۲، ۲۰۰۲؛ هاکنی و ساندرز^۳، ۲۰۰۳؛ کونینگ و همکاران^۴، ۲۰۰۱؛ کینگ و بویاتزیز^۵، ۲۰۱۵) تأیید شده است. این نشان می‌دهد که دین ایده‌هایی از تغییر و تحول را در برمی‌گیرد که با گذشت چندین دهه، مفاهیمی از قبیل «رشد»، «برابری»، «انسجام»، «نیازهای اولیه»، «عدالت» و «فقر»، «امنیت»، «سلامت»، «تلاش و سخت‌کوشی»، «قناعت و امساک» و غیره را در بطن خود پرورش داده است.

در عصر کنونی و با تجدید حیات معنویت‌گرایی فهم انسان از دین متحول شده و «دین» نقشی قاطع در تعیین هنجارهای جنسیتی، برساختن روابط جنسی، تحت تأثیر قرار دادن بحث‌وجدل‌های سیاسی، پیشبرد یا مانع‌تراشی برای پدیده‌های اقتصادی، تأثیرگذاری بر امور نژادی، کمک به حفظ محیط‌زیست، تأثیرگذاری بر رسانه‌های همگانی، ساختارهای خانواده، پیشرفت‌های تکنولوژیک و جنبش‌های هنری و غیره دارد» (زاکرمز، ۱۳۸۴: ۱۷۵). بر این اساس، «دین به‌مجرد رواج خود، نفوذ پر دامنه خود را بر شیوه زندگی قشرهای بسیار ناهمگن بر جای می‌گذارد» (ویر، ۱۳۸۹: ۳۰۶) که این نفوذ و اثرگذاری در برخی از جنبه‌ها، به‌ویژه جنبه‌های اقتصادی-رفاهی قابل‌اعتنا و مهم است.

همه ادیان اصلی واجد مکانیسم‌هایی برای ترغیب تلاش شغلی و انباشت ثروت می‌باشد که بر موفقیت اقتصادی تأثیرگذار است (مک‌کلری و بارو^۶، ۲۰۰۵: ۵۲). اما برخی رویکردهای سکولار دین را از حوزه عمومی جدا کرده و آن را به یک مسئله در حوزه

-
1. Ano & Vasconcelles
 2. George, Larson, Koenig, & McCullough
 3. Hackney & Sanders
 4. Koenig, McCullough, & Larson
 5. King & Boyatzis
 6. (McCleary & Barro, 2005: 52)

شخصی تبدیل کرده‌اند (بلا، ۱۹۷۰؛ برگر^۱، ۱۹۶۷) و در خصوص چگونگی تمایز نقش دین در جامعه بحث می‌کنند (بلا^۲، ۱۹۷۰؛ دورکیم^۳، ۱۹۹۵؛ پارسنز^۴، ۱۹۶۱). این امر گفت‌وگوهای متعارضی حول دین و توفیق اقتصادی ایجاد کرده است. ظهور نظام معرفتی تجددگرایی و الزامات معرفتی آن، جوامع شرقی از جمله دنیای اسلام و به‌ویژه ایران را دچار تعارض‌هایی نظیر تعارض میان دین و توسعه و کوشش برای حل آن نموده است. در سال‌های اخیر، مسائل عمده‌ای در سطح کشور مطرح شده که توجه به موضوع رابطه میان دین و توسعه را جدی‌تر کرده است. برخی توسعه ناشی از گفت‌وگو تجدد را باعث تضعیف دین و حتی دین‌زدایی می‌دانند. «عقلایی شدن رفتار انسان، گسترش نتولیرالیسم و فردگرایی و نگرانی از تهدید نفع‌طلبی‌های خودخواهانه و فردگرا، تنش‌هایی برای زندگی معنوی ما ایجاد کرده است» (برگر، ۱۹۶۷). این وضعیت، کاهش تعهدات شهروندی و نیز بی‌تفاوتی و از خودبیگانگی اجتماعی، شخصی شدن زندگی‌ها و به تعبیری از دست دادن تدریجی زبان و هویت مشترک، گسست‌هایی در نظام معرفتی ما ایجاد کرده است. افزون بر این، منجر به گسست‌هایی در رویه‌های دین‌داری و علقه‌های دینی در بین افراد شده است.

نظام معنایی در نظام ادیان تمام زیست جهان اعمال و افکار آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما، تضاد بین امر متعالی مابعدالطبیعه دینی و امر تجربی و دنیوی، تأثیراتی ایجاد می‌کند که ارتباط متقابل آنها را خاص و بعضاً متضاد می‌سازد. تضاد بین قناعت و پرهیزکاری از یک‌سو و تاکیدات فراوان به منظور کسب روزی و عدم وابستگی به دیگران از سوی دیگر، تعامل تام دین و توفیق اقتصادی را مشوش ساخته است. در مواردی نیز نگاه منفی به افرادی که صاحب ثروت هستند نیز از جمله این تضادها است که توانگران را مورد هجمه قرار می‌دهد؛ بدین معنی که تاکیدات اخلاقی در کسب توفیق اقتصادی نادیده گرفته

-
1. Berger
 2. Bellah
 3. Durkheim
 4. Parsons

می‌شود و تحقق آن برای شخص توانگر به منزله نقصان در دستاورد دیگران ترجمه، تفسیر و در نظر گرفته می‌شود. این در حالی است که افراد دین‌دارِ توانگر، مکانیسم توفیق اقتصادی خود را با رابطه دین و نظام آرمانی منبعث از آن تفسیر می‌کنند.

از آنجایی که انباشت و مطلوبیت خود را از مجرای آموزه‌های دینی توجیه‌پذیر می‌دانند، لذا در زیست‌جهان خود از کارکردهای تنظیم‌کنندگی و انگیزش‌بخش دین استفاده کرده و آن را هم معیار و هم ابزاری معنابخش برای رفاه و توفیقات برآمده از آن می‌دانند. تأکید اخلاقی در به‌کارگیری ثروت خود در امور خیریه‌ای، توجه به آموزه‌های دینی در کسب رزق حلال و رد رباخواری و سود و منفعت صرفاً شخصی، کار و کوشش مادی به‌مثابه وسیله‌ای برای رشد سرمایه اجتماعی و فرهنگی از جمله این تأکیدات است. رفاه منبعث از دین و در خدمت گرفتن رفاه در امور دینی، فهم صرفاً مادی از رفاه را که رویکرد مسلط نوسازی و سکولاریزاسیون است را به چالش می‌کشد و دین‌داری را به شالوده‌های مکانیکی واپس‌گرایی، انزوای فردی و ابعاد مناسکی تقلیل نمی‌دهد. از این رو، قواعد دین مسیری برای نیل به رفاه و توفیق اقتصادی ایجاد می‌کنند که مسئولیت و مقام فرد را با ایستار اخلاقی همراه می‌سازد.

بدین ترتیب، از نظر آنها برخلاف معیارهای عام تضاد دین و توسعه (رفاه)، توسعه دین محور دیگر ضرورتاً امری متناقض نیست، بلکه مفهومی برانگیزاننده تغییر و تحول در زندگی فردی (و حتی اجتماعی آنها) نیز هست که نه تنها با شرایط جدید و مدرن تناقضی ندارد، بلکه منبعی برای توسعه و نیل به رفاه فردی آنها نیز هست که از قبل آن به چرایی و چگونگی دستاوردها و توفیق اقتصادی و رفاه خود معنا می‌بخشند. بنابراین، پرسش این است که ارتباط دین‌داری با توفیق اقتصادی افراد چگونه است؟ به‌طور مشخص‌تر، پرسش اصلی مطالعه حاضر این است که ارتباط بین دین‌داری و توفیق اقتصادی افراد توانگر تهرانی چگونه است؟ و این ارتباط برآمده از چه بسترهایی است؟

پیشینه تحقیق

در خصوص نقش و نفوذ دین و دین‌داری و اقتصاد و رفاه اجتماعی به معنای عام مطالعات متنوع و مختلفی انجام گرفته است. بررسی نقش مذهب بر توسعه در سودان (بورک^۱، ۱۹۹۸) که مذهب را در توسعه مهم می‌داند، مطالعه دین و توسعه در آسیای جنوب شرقی (مهدن^۲، ۲۰۰۲) که توسعه در جنوب شرقی آسیا را مبتنی بر آموزه‌های دینی می‌داند، بررسی نقش دین در توسعه آفریقا و اروپا (رضی، ۱۳۸۸) که توسعه متفاوت در آفریقا و اروپا را با دین مرتبط می‌داند، رابطه دین، دولت و توسعه سیاسی (رضی، ۱۳۸۸)، که ارزش‌های دین در استقرار دولت توسعه محور را نشان می‌دهد، توسعه سرمایه انسانی بر اساس آموزه‌های اسلام و تأثیر آن بر توسعه انسانی (آقانظری، ۱۳۸۶)، مطالعه تطبیقی دین و رفاه در دیدگاه اروپایی‌ها (بکستروم و همکاران^۳، ۲۰۱۰)، «دین و رفاه اجتماعی» (لیتالین^۴، ۲۰۱۶)، مذهب به مثابه راه‌حل مسائل اقتصادی / اجتماعی (ملوکوتوس - لیدرمن^۵، ۲۰۱۰)، دین و توسعه اجتماعی (هجلم^۶، ۲۰۱۱)، دین، فرهنگ و توسعه (آلداشیف و پلاتیو^۷، ۲۰۱۴) از مطالعاتی هستند که به صورت کلان نقش دین و مذهب را در توسعه بررسی کرده‌اند. نقش گروه‌های دینی داوطلبانه و اهمیت گرایش کارآفرینی در آمریکا» (جواد^۸، ۲۰۱۲: ۱۶۲)، رابطه بین نگرش مذهبی و نشاط در بین کارکنان (کومار و عقیلی^۹، ۲۰۰۸)، قدرت باورهای دینی در بهزیستی و رفاه ذهنی افراد (کولن-باکو^{۱۰}، ۲۰۱۰) «نقش مسیحیت در شکل‌گیری دولت‌های رفاه»؛ «تأثیر ارزش‌های دینی کاتولیک در تأمین

-
1. Burke
 2. Mehden
 3. Bäckström, Davie, Edgardh, & Pettersson
 4. Litalien
 5. Molokotos-Liederman
 6. Hjelm
 7. Aldashev & Platteau
 8. Jawad
 9. Kumar
 10. Colón-Bacó

اجتماعی آلمان»؛ «مطالعه لین^۱ و مانو^۲ در خصوص ریشه‌های پروتستانی سیاست‌های تأمین تأمین اجتماعی سوئیس و کشورهای اروپای شمالی»؛ مطالعه کرسبرگن^۳ در مورد نقش مسیحیت در رفاه اجتماعی اروپا؛ توجه به نقش ارزش‌های دینی و اجتماعی در رفاه اجتماعی آمریکا؛ بنیان‌های مسیحی دولت رفاه (اورشات و همکاران^۴، ۱۳۹۶) از جمله دیگر مطالعاتی محسوب می‌شوند که به بررسی ارزش‌های دینی در ارتقای رفاه اجتماعی پرداخته‌اند. در مجموع، این مطالعات نقش دین در توسعه و رفاه اجتماعی را مهم و اثربخش دانسته و به این مهم توجه دارند که دین و ارزش‌های دینی، کارکرد مهمی در زندگی اجتماعی دارد و بنیان‌های دینی در تأمین اجتماعی نقش بی‌بدیلی داشته‌اند. در ادامه، به فراخور مطالعه و با در نظر داشتن پیشینه مطالعاتی فوق، به برخی از مطالعات این حوزه اشاره می‌شود.

نتایج مطالعه وصالی (۲۰۰۱) با عنوان «دین و کار در ایران» مؤید وجود نوعی «اخلاق کار» مشهود در حیطه مورد مطالعه در بین افراد مورد بررسی می‌باشد. بر مبنای یافته‌های این تحقیق، نسبتی میان کیفیت بالای فرش بافته شده با میزان پایبندی دینی وجود دارد. فراهانی فرد (۱۳۸۹) در مطالعه خود با عنوان «کارکرد اقتصادی دین اسلام: مطالعه موردی تولید» نشان می‌دهد که انسان تربیت شده مکتب قرآن، تولید را عبادت می‌شمارد و از حاصل آن برای رفاه خود و هموعانش استفاده می‌کند. سودی را دنبال می‌کند که رضایت خداوند را به همراه داشته باشد.

در پژوهشی دیگر کریمی (۱۳۹۷) به بررسی «بازار تهران، مطالعه انسان‌شناسی اقتصادی» پرداخته است و در مطالعه خود متمرکز بر دو سطح فضای «کالبدی» و «روابط

-
1. Lin
 2. Manow
 3. Kersbergen

۴- برای مطالعه بیشتر در خصوص نقش ارزش‌های دینی در گسترش دولت‌های رفاهی، به کتاب «فرهنگ و دولت رفاه»، اثر اورشات و همکاران مراجعه کنید که توسط ابودر قاسمی نژاد ترجمه و در انتشارات موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی (۱۳۹۶) به چاپ رسیده است.

میان فردی» نشان می‌دهد که وجه کالبدی بازار (وجود مساجد در قلب بازار) متضمن تحقق روابط میان فردی بوده و مجالی برای تعامل و تبادل اطلاعات بازار فراهم می‌آورد. هم‌چنان‌که حضور در هیات‌های هفتگی مذهبی نیز کارکرد مشابهی دارد. برگزاری تجمعات مذهبی اعم از اعیاد و سوگواری‌ها در منازل بازاریان نیز با تقویت و بازتولید سرمایه نمادین (متضمن امانت‌داری، خوش‌نامی و خوش‌حسابی) واجد کارکردی پنهان و نتایجی در حوزه اقتصاد است.

کرافس^۱ (۲۰۰۵) در مطالعه خود با عنوان «تأثیر دین بر کمک‌های بشردوستانه» نشان می‌دهد که این مکانیسم‌ها (نظیر وقف)، برای تقویت توسعه انسانی و اجتماعی، به‌ویژه در فراهم کردن خدمات بهداشتی، تحصیلاتی و آموزشی برای اجتماع کاربرد فراوانی دارد. نتایج مطالعه «دین، شبکه‌های اجتماعی و رضایت از زندگی» مطالعه‌ای است که توسط لیم و پاتنام^۲ (۲۰۱۰) گویای این واقعیت است که دین‌داری زمانی که وارد شبکه‌های اجتماعی می‌شود، نفوذ قابل‌ملاحظه‌ای بر کیفیت زندگی و رضایت دین‌داران ایجاد می‌کند. در نتیجه، رفاه ذهنی افرادی که کنش‌های درون‌گروهی بالاتری دارند بیشتر از کسانی است که پیوندهای اجتماعی کمتری دارند.

اسپنگواچ^۳ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان «دین و کار: شواهدی خرد از آلمان کنونی» نشان می‌دهد بین دین و کار رابطه مثبتی وجود دارد اما، برآوردهای سازمانی هیچ تأثیری از تأثیر پروتستان‌تیسیم بر دستمزد ساعتی افراد نشان نمی‌دهد.

«دین، اداره جامعه و کالاهای عمومی: مطالعه‌ای تجربی در روسیه» گریگوریادیس^۴ (۲۰۱۷) نیز مطالعه‌ای است که نشان می‌دهد هنجارهای سه‌گانه به‌عنوان ارزش‌های دینی نقش مهمی در کنش‌های اقتصادی افراد دارند و در ایجاد بسترهای مناسب برای تهیه کالاهای عمومی و ارتقای رفاه اجتماعی تأثیرگذار می‌باشند.

-
1. Krafess
 2. Lim & Putnam
 3. Spenkuch
 4. Grigoriadis

در جمع‌بندی و نقد مطالعات پیشین باید گفت که این مطالعات عمدتاً معطوف به بعد کارکردی و پیامدی دین بوده و محققان سعی کرده‌اند، کارکردهای دین را در بین افراد و جامعه بررسی کنند. علاوه بر این، این مطالعات از نظر تئوریک رویکردهای کارکردگرایانه مدرنیاسیون و مذهب می‌گویند که چگونه دین از سایر ساختارهای اجتماعی متمایز است؛ این در صورتی است که هم‌گرایی بین دین و اقتصاد توسط محققان و تحقیقات پیشین به اثبات رسیده است. افزون بر این، در مطالعات پیشین تفکیک حیاتی وجوه فردی و اجتماعی دین و نیز وجوه فردی و اجتماعی دین و اقتصاد به‌هیچ‌وجه مورد تأکید قرار نگرفته است. اگرچه در مواردی این تفکیک به‌صورت غیرمستقیم نشان داده شده‌اند، اما کم‌رنگ است. لذا، با قرائتی مبهم از دین و دین‌داری و توفیق اقتصادی روبرو می‌شویم که دقیقاً مشخص نیست که چه بعدی از دین‌داری (مناسکی، تجربی، عاطفی، پیامدی و غیره) بیشتر با ماهیت چنین توفیقی در ارتباط است و نقش نمادین و آرمانی دین و نقش ایجابی آن کجا با همدیگر در ارتباط قرار گرفته و کجا در تعارض هستند.

چارچوب مفهومی

مسئله تأثیرپذیری اقتصاد از آموزه‌های دینی در میان دانشمندان غربی نیز مطرح بوده است؛ اسمیت در کتاب «ثروت ملل»^۱ می‌گوید: مشارکت در فرقه‌های مذهبی می‌تواند از طریق ایجاد حسن شهرت ریسک افراد را کاهش داده و از این طریق اثر مثبت بر کارایی و تخصیص بهینه منابع داشته باشد. همچنین، مذهب و گروه‌های مذهبی به‌عنوان ابزارهای فراقانونی جهت تثبیت وثوق و اطمینان و مجازات خلاف‌کاری‌ها در مبادلات بین گروهی، نا اطمینانی را کاهش داده و کارایی را بهبود می‌بخشد (پیغامی، ۱۳۸۹:۳۹۸). هاسلیتز و مک‌کله‌لند دو تن از معاصران اسمیت نیز با مطالعه افکار اسمیت گفته‌اند وابستگی مذهبی

1. Wealth of Nations

گروهی نوآور (در مقابل گروه‌های سنتی) در فرایند مدرن سازی مؤثر است (همان). به‌طور خاص محققان مختلفی (دورکیم^۱، ۱۹۷۴؛ مارکیدس^۲، ۱۹۸۳؛ بارکن و گرین‌وود^۳، ۲۰۰۳) نیز بر این باورند که جنبه‌های اجتماعی و ادغام‌کننده مذهب، در قیاس با کارکردهای روحانی آن، تعیین‌کننده‌های اصلی رضایت از زندگی افراد هستند و در ارتقای انسجام و تعادل اجتماعی افراد مؤثر هستند.

نمونه‌های بارز ظرفیت شگرف تأثیرگذاری آموزه‌های دینی و توسعه اقتصادی را می‌توان در آراء «ماکس وبر در تمرکز بر پروتستانتیسم»، «ورنر سومبارت در تمرکز بر یهودیت» و تفسیر «ماکسیم رودنسون از پتانسیل اسلام» و یا «کیم در ارزش آموزه‌های کنفوسیوسی در رشد اقتصادی کشورهای آسیای شرقی» مشاهده کرد. وبر در تحلیل خاص خود از رابطه میان مذهب و توسعه اقتصادی، بیشتر تمرکز خود را به‌جای احکام شرعی خاص هر مذهب در ارتباط با انواع رفتار اقتصادی، بر آداب و سلوک ذاتی موجود در هر مذهب که انگیزه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، قرار داد (ایزنشتاد^۴، ۱۹۸۹).

وبر روح سرمایه‌داری را به گسترش اخلاق پروتستانی نسبت می‌دهد. او اخلاق پروتستان را به‌عنوان یک اخلاق دنیوی می‌داند که از اصول مذهبی بنیادین نشأت گرفته است. به معنای دقیق کلمه، اخلاق پروتستانی یک اخلاق اقتصادی را نتیجه می‌دهد (لسناف^۵، ۱۹۹۴). از نظر وبر، عمده‌ترین مفهومی را که در فرایند اصلاح پروتستانتیسم شکل گرفت، مفهوم «حرفه» و احساس مسئولیت شرعی در کار بود که در عمل مومنان تبلور یافته است و زمینه‌ساز پیشرفت و ایجاد زمینه‌های جدیدی شد که عبارت‌اند از: کار به‌عنوان وظیفه و هدف معنوی؛ عدم تضاد بین تقوا و ثروت‌جویی؛ اتخاذ روحیه و نگرش

-
1. Durkheim
 2. Markides
 3. Barkan and Greenwood
 4. Eisenstadt
 5. Lessnoff

اخلاقی که درست‌کاری، وقت‌شناسی، سعی و کوشش و صرفه‌جویی را به دنبال دارد؛ کسب درآمد بیشتر به همراه پرهیز از تمام لذایذ زودگذر زندگی و اجتناب از روحیه خوش‌گذرانی (وبر، ۱۳۷۴: ۶۶-۶۷).

ورنر سومبارت اخلاق یهود را که ریشه در انتخاب، آزادی عمل فردی، رقابت، پیگیری منافع مادی و انتخاب با صرفه‌ترین روش‌ها در تولید و تجارت دارد، علت اصلی رشد سرمایه‌داری معرفی کرده است (کرباسیان، ۱۳۷۵: ۶۷-۷۰). از اندیشمندان دیگری که اسلام را با توسعه و رفاه اقتصادی-اجتماعی هماهنگ می‌داند، کامه ساندران جومو^۱ (۱۹۹۲) می‌باشد. به باور جومو، «بررسی قرآن (آداب‌ورسوم اسلامی) هیچ‌گونه عباراتی را نشان نمی‌دهد که برای توسعه و رفاه اقتصادی مضر باشد. به عبارتی، بسیاری از آیات قرآن کوشش و توانگری را ترغیب می‌کنند. در هیچ جای قرآن مالکیت خصوصی منع نشده است. اگرچه قرآن در مواردی فعالیت‌های اقتصادی را منع می‌کند، اما با تجارت، دادوستد و تولید برای بازار مخالف نیست.

علاوه بر این، قرآن دارای ارکان قوی معنویت و عقلانیت، به‌ویژه در خصوص خداوند و قدرت مطلق او و نیز نگرش مثبت نسبت به امور مادی است. این موضوع برخلاف رویکرد وبری است که ایدئولوژی اسلامی را، برخلاف آیین پروتستانی، مخالف توسعه اقتصادی می‌داند». جومو بر دو عنصر تأکید دارد: یک عقلانیت اقتصادی مستتر در اسلام که مسلمانان را به تلاش و دستیابی به ثروت تشویق می‌کند. به باور او این زمینه در متون اسلامی از جمله قرآن وجود دارد. دیگر اینکه، معنویت اسلامی مانع از وابستگی و سربار دیگران بودن می‌شود. از این‌رو، دین اسلام همواره پیروان خود را به استقلال و انباشت ثروت در حد مکفی تشویق می‌کند.

«رودنسون» اساساً با نقد وبر و توجه خاص به آموزه‌های اسلامی به ارائه رویکرد خود می‌پردازد. رویکرد رودنسون برای مطالعه حاضر از اهمیت بالایی برخوردار است. اگرچه وبر بر انجام «تفسیرهای مجدد و مکرر» مبانی مذهبی در میان پیروان هر دین در راستای

1. Kwame Sundaran Jomo

توجه به نیازهای جامعه و رفع آن اشاره داشته، اما به نظر می‌رسد رودنسون در بستر تکوینی حیات اسلام، با نگاهی عملیاتی تر آن را مورد نظر قرار داده است. رودنسون ضمن اشاره به تأثیر «توالی پیش‌بینی‌نشده وقایع تاریخی» و سایر «تأثیرات خارجی» در عدم تکوین صورت‌بندی اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داری در جوامع مسلمان به طرح این پرسش می‌پردازد که «آیا ایدئولوژی اسلام، به جهت‌گیری عقلانی تفکر نظر نامساعد دارد؟» (همان: ۹۹). وی برای پرداختن به این سؤال بر این باور است که «به بررسی ایدئولوژی اسلام در دو سطح نیازمندیم: ایدئولوژی قرآن، و ایدئولوژی مابعد قرآنی» (همان: ۹۹).

در مورد سطح اول رودنسون با بیان این که «قرآن کتاب مقدسی است که در آن عقلانیت نقش بزرگی دارد. در آن، الله مدام در حال مباحثه و استدلال است» (همان: ۹۹)، نه تنها به محوریت عقلانیت در ایدئولوژی قرآن تصریح دارد، بلکه در مقام مقایسه نیز به اعتقاد وی «قرآن بیش از کتب مقدس یهودیت و مسیحیت، مقام خرد را محترم می‌شمارد» (همان: ۱۱۲). رودنسون در گذر از سطح اول تحلیل - ایدئولوژی قرآنی - به سطح دوم - ایدئولوژی مابعد قرآنی - به دنبال طرح سؤالی نظر خود را ابراز می‌دارد و استدلال می‌کند که «ایدئولوژی مابعد قرآنی، فشاری برون‌نیست که شکل‌دهنده جامعه باشد، بلکه ترجمان گرایش‌هایی است که اساساً از زندگی اجتماعی ناشی می‌شود. بنابراین، این گرایش‌های اجتماعی، نه از طریق ریشه‌های اسلامی خود، بلکه بیش‌تر از طریق زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک عصری که در آن ظهور کرده‌اند، قابل توضیح می‌باشند» (همان: ۱۲۳-۱۲۰).

روش تحقیق

روش تحقیق مطالعه حاضر، «کیفی» است. در اینجا، بررسی دین‌داری و توفیق اقتصادی افراد مورد مطالعه، تفهم و بازسازی و محتوای اعمال آنها تشریح شده است. جمعیت مورد مطالعه، شامل افرادی است که هم از حیث اقتصادی در سطح بالایی هستند و از نظر

اجتماعی شهرت به دین‌داری دارند. از نظر سنی به اقتضای تحقیق عموماً افرادی هستند که بالای ۴۰ سال هستند. این افراد عموماً به فعالیت‌های تولیدی اشتغال دارند و به سبب دغدغه‌مندی فعالیت‌های خیریه برایشان جدی است. علاوه بر این، این افراد دارای مختصاتی هستند که از آن جمله می‌توان به شهرت داشتن به دین‌داری و پایبندی به امور و مناسک دینی؛ اشتغال به امور تولیدی (به‌نحوی که نه وابستگی دولتی دارند و نه از منبع خاصی کمک می‌گیرند)؛ مشارکت در امور خیریه‌ای رسمی و غیررسمی عمدتاً به صورت پنهانی؛ میزان بالای درآمد اقتصادی و رفاه اجتماعی بالا؛ تأکید بر پایبندی به آموزه‌های دینی در خصوص رفاه اجتماعی - اقتصادی خویش اشاره کرد.

نمونه‌گیری به صورت «گلوله برفی»^۱ انجام گرفته است. از آنجایی که افراد مورد مطالعه عمدتاً تمایل چندانی به افشای هویت خویش نداشتند و به راحتی هم قابل دسترس نبودند و از طرفی نیز به اقتضای تحقیق کیفی که در آن حجم ثابتی از نمونه مورد نیاز نیست، این روش نمونه‌گیری انتخاب شد. در واقع، به منظور اعتمادسازی ناگزیر بودیم مشارکت‌کنندگان را از طریق «گلوله برفی» مورد مطالعه قرار دهیم؛ به منظور دستیابی به نمونه‌های بیشتر، ابتدا بر اساس آشنایی و شناخت قبلی نفر اول انتخاب شده و در ادامه از وی خواسته شد تا نفر بعدی را معرفی کند.

تعیین حجم نمونه نیز متناسب با روش تحقیق کیفی، بعد از حصول تکرار و عدم دریافت مفاهیم تازه میسر شد. ابزار گردآوری داده‌ها، «مصاحبه عمیق فردی» بود. زمان مصاحبه‌ها بین یک‌ونیم الی سه ساعت و بعضاً بیشتر به طول کشید. فرم سؤالات شامل دو نوع از سؤالات اصلی و سؤالات پیگیری بود. سؤالات اصلی جان‌مایه اصلی مسئله بود و سؤالات پیگیری برای ارائه اطلاعات خاص و جزئی پرسیده می‌شد. از «تحلیل مضمون» برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها استفاده شد. مضمون یا تم^۲، بیان‌گر چیز مهمی در داده‌ها در رابطه با مسئله تحقیق است. مضمون الگویی است که در

1. snowball sampling
2. Theme

بطن داده‌ها جا دارد و بر اساس آن توصیف، سازمان‌دهی مشاهدات و تفسیر ابعاد پدیده مورد بررسی انجام می‌شود. فرایند استخراج مضامین، با کدگذاری داده‌ها آغاز شد. به منظر تحلیل داده‌ها مراحل زیر انجام گرفت که به‌طور خلاصه به آن اشاره می‌شود:

الف). متن مصاحبه‌های ثبت و ضبط شده پیاده شد و به‌منظور یافتن ارتباط بین آنها چند بار خوانده شد. داده‌های پیاده شده سطر به سطر، کلمه به کلمه به ریزترین اجزاء خرد شده و زیر آنها خط کشیده شد. ب). اجزاء خرد شده یا کدهای باز در قالب مفاهیم دسته‌بندی شدند. عباراتی که بیشترین ارتباط و نزدیکی مفهومی و معنایی را با هم داشته در یک دسته تجمیع شده و در قالب مفاهیم آورده شدند. سپس، تم‌سازی شکل گرفت. سپس، تطبیق کدها با مفاهیم انجام گرفت تا تدقیق و شمول مفهومی به‌خوبی صورت بگیرد و ویژگی‌های خاص داده‌ها از همدیگر جدا شوند؛ ج). مفاهیمی که در مرحله قبلی بیشترین قرابت معنایی را با هم داشته، در قالب مضامین جدید پروراند شدند. در اینجا شاهد ظهور مضامین سازمان‌دهنده بودیم. سپس، از ادغام دو یا چند مقوله یا مضمون سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر به دست آمد. این مقولات بالاترین سطح انتزاع را داشته و از غنای مفهومی بالایی برخوردار هستند؛ د). در نهایت تهیه گزارش و یافته‌های تحقیق بود که در قالب متن و نقل‌قول‌های مستند ارائه شده است.

یافته‌های تحقیق

مشخصات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان: افراد مورد مطالعه ۱۵ نفر و همگی مرد هستند. از نظر سطح تحصیلات، ۶ نفر دیپلم دارند. ۶ نفر دیگر لیسانس دارند. یک نفر فوق‌لیسانس و ۲ نفر دیگر سطح تحصیلاتشان دکترا است. از نظر دامنه سنی، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، کم‌ترین سن در بین مصاحبه‌شوندگان (مشارکت‌کنندگان) ۴۵ سال و بالاترین سن مشارکت‌کنندگان به ۸۰ سال می‌رسد. بدین ترتیب، یک نفر ۴۸ سال، یک نفر ۵۰ سال، دو نفر ۵۵ سال، دو نفر ۶۰ سال، دو نفر ۶۵ سال، چهار نفر ۶۰ سال، یک نفر ۷۵ سال و در

نهایت یک نفر نیز ۸۰ سال دارد. از نظر اشتغال، مشارکت‌کنندگان دارای مشاغل متنوعی هستند. این مشاغل عبارت‌اند از: شرکت حمل‌ونقل بین‌المللی، صاحب شرکت و بنیاد خیریه، صاحب کارخانه، صاحب کارخانه و شرکت صنایع پتروشیمی، بازاری و صاحب مغازه (دو نفر)، رئیس اتحادیه و مدیر خیریه درمانی، سهام‌دار کارخانه خصوصی، فعال در صادرات و واردات، صاحب بنگاه تولیدی و کسب‌وکار، صاحب کارخانه محصولات چوبی و فلزی، تولیدکننده لباس و پوشاک، تولیدکننده شکر و قند و کارخانه تولید استیل. نکته این که این افراد مناصب دولتی ندارند و فعالیت‌های شغلی آنها خصوصی است. از حیث محل سکونت مشارکت‌کنندگان، باید گفت که یک نفر در امیرآباد، یک نفر در ازگل، سه نفر در پاسداران، یک نفر در منطقه دروس، یک نفر در خیابان ایران، یک نفر آب منگل^۱، یک نفر فرمانیه^۲، یک نفر رسالت، یک نفر ولی‌عصر، یک نفر جمهوری، یک نفر جنت‌آباد و یک نفر دیگر در شادمان زندگی می‌کند.

یافته‌های تفسیری: در تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۵۲۴ کد باز و اولیه استخراج شد. در ادامه، با دسته‌بندی و تفکیک آنها بر اساس مشابهت‌ها و افتراق‌ها، در قالب مقولات منسجم‌تری دسته‌بندی شدند. این مقولات برگرفته از دو یا چند کد باز و اولیه بودند. در نهایت، در این مرحله ۵۲ مقوله فرعی استخراج شد. سپس، با پالودن مقولات مرحله دوم که آنها را مقولات فرعی می‌نامیم، ۸ مقوله اصلی استخراج شد. این مقولات دارای بالاترین سطح انتزاع هستند که مقولات فرعی و کدهای باز و آزاد حول آنها معنا پیدا می‌کنند. تفسیر یافته‌ها نیز بر اساس این مقولات اصلی انجام گرفته است.

مقولات استخراج شده در دو قالب مقولات متعین و ثابت و مقولات نسبی و حساس استخراج شدند. مقولات نوع اول، مشترک و مورد وفاق هستند و مربوط به تجربه

۱- این مشارکت‌کننده دلیل اقامت خود در این منطقه را (علیرغم استطاعت مالی) حضور در مسجد و نماز جماعت و

نیز احساس تعلق پیشین به این منطقه می‌داند که از نظر او برایش منبع آرامش و برکت است.

۲- این مشارکت‌کننده اخیراً از فرمانیه به پایین شهر برگشته است. دلیل این جابجایی را در دسترسی راحت‌تر افراد فقیر

و نیازمند به خود می‌داند.

دین‌داری و توفیق اقتصادی هستند. این مقولات بن‌مایه‌هایی هستند که در طول زمان در بین این افراد نسبتاً محفوظ و ثابت مانده‌اند و لذا، تشکیک کمتری در تجربه دینی و روابط اقتصادی افراد ایجاد کرده است. نسبی بودن مقولات نسبی نیز مربوط به اهمیت متفاوت آنها در بین افراد مورد مطالعه است. به اعتباری، برخی آنها را در اولویت زندگی اقتصادی خود می‌دانند و برخی آنها را امری ثانویه تلقی می‌کنند؛ لذا قدرت تعیین‌کنندگی و بروز اجتماعی و عینی آنها نسبت به مقولات فوق کمتر است.

جدول ۱- جدول تلخیص کدگذاری‌ها و استخراج مضامین تحقیق

نوع مقوله	مقولات فرعی	مقوله اصلی
مقولات متعین و ثابت	ایمان در حیات اقتصادی، برکت و رزق دینی، کسب‌وکار هنجارمند، توجه به نیازهای مادی دیگران	توفیق یعنی پابندی به دین
	توجه به مواهب جمعی، پرهیز از رفاه‌زدگی، اصالت دین و دنیا، دین و اقتصاد در خدمت هم	اقتصاد و انسان اجتماعی
	تواضع و هم‌نشینی اجتماعی، اختفاء ثروت و خیرات، اصالت دین در برابر اقتصاد، دوری از تفاخر و تکاثر	نفی خودابرازگرایی نمادین
	دوری از فردیت و سودمحوری صرف، توجه به فعالیت‌های شبکه‌ای، عدم وابستگی به وام و بهره‌های بانکی تأکید بر وجهه و اعتبار به‌جای بانک، وام و بهره، بازار به مثابه گردش اعتبار، تأکید بر رضایت و کیفیت	حمایت شبکه‌ای
	اصول حرفه‌ای در کنار اصول اخلاقی، توجه به موقعیت و ریسک‌پذیری، سلامت فکری و کاری، موقعیت‌سنجی و تصمیم‌گیری، نظم و توکل، کار در کنار عقلانیت برنامه‌ریزی، سروقت و درست انجام دادن امور	درک موقعیت

هویت شبکه‌ای	تعادل و توازن مادی / معنوی، رفتارهای مبتنی بر موقعیت‌ها، رعایت قواعد بازی، بازتعریف نقشی، تفکیک کارکردی	مقولات حساس و نسبی
فقر و امساک اختیاری	توجه به خیرات و مبرات، بخشش و بذل، اعتقاد و تقید به سهم دیگران در اموال، دوری از تکاثر و تجمیع ثروت ریاضت و امساک از لذات (قائل بودن به حدود و اعتدال)، قول به دین به‌مثابه حقیقتی فراتر از مناسک، محبت و معرفت دینی، توجه درونی به معنای دینی	
ارزیابی/عملکرد دائمی فعالیت‌ها	نظارت بر فرایند کار، تفکر سیستمی، آینده‌نگری در تولید توجه به موانع گذشته، پنهان نگذاشتن مشکلات، نظم و کاردانی	

توفیق یعنی پایبندی به دین

این مقوله بر پیوند بین «زیست دینی» و آثار اقتصادی آن تأکید دارد و در معنای کلی به این معناست که افراد باید در عمل دین را در روابط اقتصادی دخیل کرده و آثار آن را در زندگی اقتصادی خود مشاهده کنند. توفیق به‌مثابه هر دستاورد مطلوب و واجد ارزشی است که فرد در زندگی خود حاصل می‌کند و این دستاوردها از نظر عقلی، شرعی و اخلاقی مورد تأیید است. در اینجا، توفیق اقتصادی نیز ناظر بر درجاتی از اکتسابات مادی است که فرد در پیوند با آموزه‌های دینی از یک‌سو و تجربه دینی از سوی دیگر کسب کرده است. لذا، این توفیق صرفاً وابسته و ملازم با تلاش فردی و یا ارث، نوسانات اقتصادی و غیره نیست، بلکه در توجه به آموزه‌های دینی در کلیه وجوه اقتصادی نیز هست.

من دین را در کل کارهای اقتصادی‌ام وارد کردم. دین باید دقیقاً عمل و اجرا بشه، بعد آثارش رو در زندگی می‌بینی (مشارکت‌کننده شماره ۱۱).

کسب و کار هنجارمند و حلال، متوقع دین است. رفتارهای اقتصادی این افراد با هنجارهای دینی کنترل و هدایت می‌شوند. نکته این است که دین به مثابه یک نظام اقتصادی در نظر گرفته نمی‌شود که کالای دینی در آن تولید، توزیع و مصرف شود، بلکه نزد این افراد این اقتصاد است که باید با محک دین و پارامترهای دینی همگام باشد. بنابراین، ارزشی که در همگامی دین و اقتصاد تولید می‌شود، ابتدا ارزشی درونی است که آثار آن در رفتارهای دینی و اقتصادی افراد (زیست دینی) نمایان می‌شود. تعلق عملی به دین، به خوبی توسط این نقل قول بیان شده است:

مثلاً من به خاطرهای از زندگی اقتصادی پدرم دارم... به مرتبه در تهران... به آنفلونزا اومد که همه گرفتن. این لیمو شیرینی که ما وارد کرده بودیم کیلویی... همکارا اومدن از ما یکجا بخرن کیلویی... پدر ما گفتش «نه این دیگه میوه نیست؛ این داروئه». رفت از شهرداری تهران اجازه گرفت. تو ده تا میدونای معروف تهران... چادر زدیم. بعدم دستور داد که همه این لیمو شیرینا رو پاکتای سه کیلویی کردیم و قیمت گذاشت... اینمی گن به اقتصاد اسلامی توسط به کسی که پای منبر بزرگ شده (مشارکت کننده شماره ۳).

اقتصاد و انسان جمعی

جمعی بودن و فعالیت‌های اقتصادی جمع‌گرایانه به معنای این است که اقتصاد از منظری فردی دیده نمی‌شود و به تعبیری ضد اومانیستی است؛ بهره‌مندی صرفاً فردی معنا ندارد، بلکه اقتصاد در منظومه‌ای از خانواده، فرد و دین دیده می‌شود. ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای اقتصادی افراد تابع قدرت فرد و تلاش‌های صرف او نیستند. بخش مهمی از کنش‌های اقتصادی تابع امور ماوراءالطبیعی و معنویاتی هستند که فرد کسب کرده و می‌کند. یکی از مشارکت‌کنندگان (۱۵) مؤمنانه اظهار می‌دارد:

این فعالیت‌ها فقط برا فخر فروشی شخصی نیست کمک به مردم و مشکلات آنها نیز هست. نه اینکه بخوام ریا کنم، اما ارزش مال در آینه که دیگران هم در آن سهیم باشن. ما در فعالیت‌ها مون برای افراد نیازمند و جوهاتی در نظر داریم و کمک می‌کنیم.

نقش انسان در اقتصاد و توفیقی که از این طریق کسب کرده، توفیقی اعتباری است که فراتر از قدرت و توانایی‌های انسانی او به عنوان یک موجود مادی است؛ کسب درجاتی از ارزش‌های مادی که مشروعیت خود را از دین می‌گیرد: فرد دین‌دار می‌گوید که نیرویی فراتر از کوشش‌های من این نعمات اقتصادی را به من داده است، زیرا که منابع اقتصادی من در خدمت اوست و ارزش خود را از آن نیرو اعتبار و دریافت می‌کند.

. عجز در مقابل خدا. یعنی تو خودت فقیر الی الله بین؛ هیچی نداری. این نداشتن من برام فخره، در مقابل خدا هیچی نیستم. صفرم نیستم. این فقر نه این که هیچی نداشته باشم - فخره برام (مشارکت‌کننده شماره ۷).

نفی خودابرازگرایی نمادین

عقلانیت موردنظر دین‌داران مورد مطالعه، «عقلانیتی خیراندیش» است و در تمایز با عقلانیت ابزاری مورد تأکید وبر با نوعی منش ارزشی/عاطفی همراه است. به تعبیری فراتر از عقل معاش و توانگری اقتصادی به منظور فائق آمدن بر ناملایمات زندگی است. سوژه خود ابرازگرایی سطحی شده هیچ‌گونه ترجیحات ارزشی و نگرشی خاصی ندارد و همه چیز را در مصرف تظاهری می‌بیند؛ به اعتباری اکتونیت موجود را اساس می‌داند که بر اساس آن باید به ارزش‌ها، ترجیحات ارزشی و رویکردهایش نظم دهد؛ لذا فراتر از خود و وضع موجود امر متعالی را ممکن نمی‌داند. درحالی که در تمایز با سوژه «خود ابرازگرا» با فهم و خوانش عمیق‌تر دین‌داران از محتوای دین روبه‌رو هستیم که هویت متعالی‌تری به ایشان بخشیده است.

منم می‌تونم بنز سوارشم. نمیشم^۱... من تو جامعه امروزی که به‌رحال مردم در فشار اقتصادی‌ین، حال‌بنده امکانش ام داشته باشم که یه دونه بنز سوارشم، اصلاً اخلاقاً ام مجاز نیست (مشارکت‌کننده شماره ۱۱).

۱- سهام‌دار کارخانه‌ای را که قریب ۵۰۰ کارگر و پرسنل دارد، اشاره می‌کند: «خیر الناس انفعهم للناس». «به ۵۰۰ نفر منفعت می‌رسد و ۵۰۰ نفر غیرمستقیم»

عقلانیت خیراندیش، در مقابل «سوژه خودبraz گرای سطحی شده» قرار دارد که جز خود تحقق بخشی و خود اظهاری دستورالعمل دیگری ندارد. این سوژه خود را دال مرکزی همه فرایندهای مادی می‌داند که کسب کرده است؛ بنابراین در یک چرخه سعی می‌کند مجدداً از طریق اکتسابات و دستاوردهای مادی‌اش، خود را به نمایش بگذارد. برنامه کاری این افراد مشتمل شده است بر دستیابی به شخصیتی که درصدد کسب جذابیت اجتماعی و تأثیرگذاری ظاهری در تعاملات روزمره است.

حمایت شبکه‌ای

شبکه‌ها هویت فردی را به هویت جمعی پیوند می‌دهند؛ از این طریق دین و اقتصاد را ملازم یکدیگر می‌سازند. به این معنا، نه اقتصاد امری فردی است (ضد اومانیستی بودن آن) و نه دین امری فردی است؛ بلکه نوعی هم‌کنشی بین این مقولات وجود دارد که آن‌ها را برای هم معنادار می‌سازد. حمایت‌گرایی شبکه محور بر توجه دین‌داران در حمایت از دیگران تأکید دارد.

من بسیاری از مشتری‌هایم که تو روضه‌ها پیدا کردم تو رفت و آمدهای اجتماعی‌مون پیدا کردم. تو این ارتباطاتمون پیدا کردم. ما ارتباط داریم و این ارتباط مهمه. با افراد مختلف با کارکنان و کارگران و هرکسی که بتونه کمک کنه (مشارکت‌کننده شماره ۶).

کنش‌های همیارانه باعث شده که آن‌ها وابستگی و تمایل کمتری نسبت به دولت و کارگزاران دولتی داشته باشند. این امر شبکه‌ای از مناسبات تولیدی درخور برای ایشان ایجاد کرده که عمدتاً حول شبکه‌ها و سرمایه اجتماعی آنها می‌چرخد؛ روابطی هم‌عرض و فاقد سلسله‌مراتب‌های کلیشه‌ای که در سازمان‌ها و نهادهای رسمی دیده می‌شود. دلالت‌های این امر برای توفیق اقتصادی و توفیق دینی به‌طور خاص در دو حالت خود را به منصفه ظهور رسانده است: خدمت کردن به دیگران بخشی از دین است، توفیق اقتصادی هم با برآوردن نیازهای مردم حاصل می‌شود. لذا، هم‌افزایی دین و اقتصاد

یک شبکه عقلانی اقتصادی/دینی شکل می‌دهد که معیارهای هنجاری آن زندگی خوب و ارزش‌های غایی را از مسیر جامعه، دیگران و برآوردن نیازهای آنها تعریف می‌کند.

خوب امروز اینجا پونصد تا آدم این جاست. این پونصد تا، پونصد تا زن و بچه دارن؛ می‌شن دو-سه هزار تا، ده-پونزده هزار تام دارن مواد اولیه می‌سازن، حمل‌ونقل انجام می‌دن... می‌شه بیست هزار تا. از همه مهم‌تر اینی است که اینجا یه شرکتی است که همه می‌دونن داره کار می‌کنه. آگه پس فردا درش ببندن، یه موج ناامیدی ایجاد می‌کنه. این جهاده دیگه. همیناس که آدم خیلی وقتا دل گرم می‌کنه (مشارکت‌کننده شماره ۵).

درک موقعیت

این مقوله به معنای درک درست از موقعیت خود و مکانیسم‌های تولید و توزیع است. در اینجا، فرد نسبت به هستی خود آگاه است و درعین حال از آنچه در بازار می‌گذرد و آنچه مورد نیاز اجتماع است، غفلت نمی‌کند. مدیریت فرد در کارخانه و شرایط تولیدی به صورت تام است و درعین حال روابط تولیدی را نیز تحت کنترل و مدیریت دارد. دین‌داران مورد مطالعه در کنار توجه به اصول حرفه‌ای و بررسی هزینه/فایده‌ها، حساسیت شناختی و موقعیتی زیادی دارند. این تجمیع بین عقلانیت و توکل است که نوعی یکپارچگی انطباقی بین موقعیت‌ها برای آنها ایجاد کرده است. استراتژی یکپارچگی، رویکردی انطباق پذیر است که دین‌داران معتقدند از ترکیب عقلانیت و توکل ایجاد شده و لذا شایستگی توفیق را کسب کرده‌اند. لذا، به طور هم‌زمان، هم میراث فرهنگی/خانوادگی دینی خودشان را حفظ می‌کنند و هم اولویت‌ها و مسئله شناسی فنی و عقلانی را از دست نمی‌دهند که از رقبا و بازار عقب بمانند. مشارکت‌کننده شماره ۱۰ اظهار می‌کند:

باید حواست به کار باشه. کار اقتصادی فقط با دعا درست نمیشه. بازار را رصد می‌کنم و باید ببینیم که چی باید تولید کنیم. من شده چند بار خط تولید رو تغییر دادم که هم سود

ببریم هم از بازار جلونیفتیم و هم اینکه نیازهای جامعه برطرف بشه. حساسیت و توازن بین وضعیت‌ها از جمله امور مادی و معنوی باعث شده است که دین‌داران با اتکا به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فردی خود موانع استمرار فعالیت‌های اقتصادی خود را شناخته و آنها را رفع کنند. از این‌رو فرافکنی و دیگر مقصرشماری در بین ایشان به چشم نمی‌آید. التفاتی درونی و برونی، درون‌نگری و بازنگری از جانب توانگران مانع روی‌گردانی از نیازها، تقاضاهای بازار و به‌کارگیری فنون و ابزارهای جدید تولیدی از سوی آنها شده است.

هویت چندبعدی

در این مقوله از هستی و هویت‌های متکثر و درعین‌حال همگرا سخن به میان می‌آید. فرد دین‌دار نوعی تعادل و توازن بین موجودیت‌های اجتماعی و اقتصادی ایجاد کرده و در لوای آنها قدرت مدیریت و کنترل شرایط را در دست گرفته است. تداوم خودهای مختلف نوعی انعطاف‌پذیری نقشی به این افراد داده و در نتیجه می‌توانند کارکردهای مختلفی بر عهده بگیرند که در خدمت منفعت جمعی باشد. مشارکت‌کننده شماره ۱۴ به‌خوبی این وضعیت را تشریح می‌کند:

ما چهره‌ای که داریم از خودمون ارائه می‌دیم، باید ببینیم چه چهره‌ایه. زمانی باید مثل منبری باشی، زمانی یه بازاری و زمانی هم مدیرعامل. خیلی وقتا هم باید ندونن کی هستی و قربه الی الله باشی. باید شرایط در نظر بگیریم. مهمه که درعین‌حال که مطمئن و ثابتی، برای خودت متفاوت هم باشی. آدم در یه مقامی متدین و در مقامی هم یه تاجر موفقه که هیچ مشکلی با هم ندارن.

انقطاع‌های هویتی دین‌داران به معنای گسست هویتی و فقدان انسجام در خودپنداره اجتماعی و شخصیتی آنها نیست، بلکه از پویایی و انعطاف‌پذیری نقشی آنها حکایت می‌کند که دریافت‌های یکسانی از شرایط ناهمسان ندارند. بنابراین، وجود نقش‌هایی که کارکردهای متفاوتی دارند، اما همچنان از هسته دینی تغذیه می‌کنند، باعث شده که تضاد

و تعارض و گسست هویتی رخ ندهد و خودشناسی انسجام بخش آن‌ها حفظ شود. اصل اساسی در خود تداوم بخشی، انسجام در عین تکثر است؛ به این معنا یکپارچگی حول محور دین همواره به زندگی دین‌داران جهت می‌دهد. این جهت‌دهی هم رفتاری است و هم اخلاقی: رفتاری است چون رفتارهای آنها معطوف به امور خیر و کسب روزی حلال است؛ اخلاقی است زیرا همواره هنجارهای مشروع و مقبول رعایت می‌گردد. اما، این افراد با چهره‌های مختلف و نقش‌های چندلایه‌ای ظاهر شده تا هم اهداف خود را پیش ببرند و هم خود ابرازی (به این مقوله مراجعه کنید) نداشته باشند. در واقع، تفکری «شریعت محور» از دین دارند که کار و اقتصاد را در بستری اجتماعی تعریف می‌کند. من در هیئت با مسجد و توی بازار به جور رفتار نمی‌کنم. توی کارخونه مثل بقیه کارگرها کار می‌کنم و آستین‌هام بالا است. لازم باشه حرف کارگرها رو گوش می‌کنم و عمل می‌کنم. توی خونه هم با خانواده به جور هستم. یعنی این‌طور نیست که فقط در کار و دین خلاصه بشه زندگی ما (مشارکت‌کننده شماره ۷).

قبض و امساک اختیاری

قبض اختیاری به معنای عزلت‌گزینی و انزوا نیست، بلکه به معنای اعمال اراده در پرهیز و گزینش بین لذات و امکاناتی است که فرد در اختیار دارد. در مقوله خود تداوم بخشی اشاره شد که این افراد دارای وجوه چندگانه‌ای در شئون اجتماعی خویش هستند. لذا، در قبض و امساک افراد سعی دارند نوعی خویش‌داری را زیست کنند تا بر قدرت معنوی خود بیفزایند. «قبض اختیاری» به معنای اجتناب از لذات فرارونده و حرص همراه با آن‌ها است. فرد آگاهانه از کمیت‌ها دست کشیده و سعی می‌کند بر کیفیات درونی خود بیفزاید. داشتن توفیق و تمول اقتصادی امکان بهره‌مندی از امکانات روز را برای دین‌داران میسر کرده است. آن‌ها در استفاده از خدمات و تسهیلات منعی ندارند و به راحتی می‌توانند از قدرت مادی خود در جهت تأمین نیازهای خود استفاده کنند. اما،

گره دین با مناسبات اقتصادی آنها، هنجارهایی را از حیث خویشتن‌داری و تملک ایجاد کرده و آثار خود را با شدت و عمق متفاوتی در دوری از مادی-گرایی نشان داده است. مثلاً فرس تبریز هیچ‌وقت تو خونه ما نبود؛ فرس کاشون و ... فرس خرسک [بود]... اصلاً ما نداریم فرس قم تو خونه مون. مثلاً من اگرم یه ذره فرشمون حالا بهتر شد، به خاطر مثلاً نظر خانومم بود (مشارکت‌کننده شماره ۳).

در اینجا، قبض اختیاری به معنای گسست دفعی از مواهب مادی نیست، بلکه شأنی از بی‌نیازی از مال و بذل آن به دیگران است. این‌گونه افراد نه از روی فخر یا ناتوانی، بلکه از روی اختیار و اراده درونی قبض را انتخاب کرده‌اند و با اینکه از هرگونه امکان مادی و معنوی برخوردارند، مقداری از این امکانات را در مسیر منافع عمومی مصرف می‌کنند. این تفکر آن‌ها به این دلیل است که معتقدند: اولاً بخشی از اموال دیگران در اموال آنها قرار دارد و لذا باید آن را ادا کرد، دوماً لازمه توفیق اقتصادی، توفیق تعبد و اطاعت و به تعبیری تسلیم‌پذیری است و در نهایت اینکه نگهداشت مال و ثروت نوعی انحصار است که از نظر دینی و اسلامی غیرقابل‌پذیرش است.

هیچ‌وقت از طبقات از نظر اقتصادی - [بالا نبودیم] همیشه از طبقات متوسط بودیم. هنوزم ما از طبقات متوسطیم، برخلاف اون چه که شایعه ست. دلش آینه که هم پدر من و هم خود من ... خیلی پول نگه نمی‌داریم. براش معتقد به خیلی شریک هستیم. اصلاً من معتقدم که در اسلام مالکیت خصوصی به معنایی که در غرب مصطلحه نداریم. چی داریم؟ همه دارایی یک مسلمان اعتباراً در اختیارشه.. یعنی به محض این که جامعه احساس نیاز بکنه، او موظفه که این سرمایه‌ش در اختیار جامعه بگذاره (مشارکت‌کننده ۱۴).

ارزیابی/عملکرد دائمی فعالیت‌ها

در ارزیابی/عملکرد تحت حساسیت شناختی/موقعیتی (به این مقوله مراجعه شود)، افراد شرایط را رصد، ضعف‌ها را شناسایی و نقاط قدرت را تقویت می‌کنند. در «ارزیابی عملکرد فرایند کار»، مشکلات و ناهنجاری‌های موجود و احتمالی که در بلندمدت

می‌توانند موجب انحراف از اهداف پیش‌بینی شده و کاهش قدرت مالی کارخانه و یا شرکت بشوند، شناسایی و رفع می‌شوند.

همه چیه رصد و بررسی می‌کنیم تا چیزی از قلم نیفته و حساب‌کتاب دقیق باشه. اینکه نظم و نسق رعایت بشه، خودش برکته ... برکت فقط در پول و ریال نیست. در همه چیه (مشارکت‌کننده شماره ۱).

بنابراین، از نظر این افراد، این ارزیابی / عملکرد دائمی است که می‌تواند مهم‌ترین نقش را در بهبود کیفیت و در نتیجه توفیق اقتصادی ایفا نماید. ارزیابی عملکرد ساختار اجرایی و محتوای سازمان و نهاد تولیدی، برقراری ارتباط میان سیاست‌های طراحی شده و اهداف مدنظر را معنادار ساخته اجازه می‌دهد که با کسب تجربیات حاصل شده پشتوانه علمی برای ارتقای کیفی محصولات حاصل شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد که تحلیلی کیفی از دین‌داری و توفیق اقتصادی ارائه شود و از مجرای آن ارتباط متقابل این دو کشف گردد. تعبیر ارتباط متقابل از این حیث است که زیست دین‌دارانه توانگران آگاهانه است و هنجارهای دینی آگاهانه و عاملانه در حوزه اقتصاد رعایت می‌شود و در این بستر اقتصاد اعتبار خود را از دین کسب می‌کند؛ لذا از این حیث است که توفیق اقتصادی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. به تعبیری دین مبنای کنش‌های اقتصادی دین‌داران است و ذخایر دانشی، معنایی، هنجاری و کارکردی برای ایشان مهیا کرده که با بهره‌جستن از آن توفیق اقتصادی محقق می‌شود. دین‌داری دین‌داران از نوع شریعت‌مدار است؛ در این معنی افراد آموزه‌های دینی را بدون دخل و تصرف در فعالیت‌های اقتصادی خود به کار گرفته و سعی دارند با عملیاتی سازی و جاری کردن آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی خود، بر توفیقات خود بیفزایند. در دین‌داری شریعت‌مدارانه، این ادراک فقه‌ای از دین است که محور قرار دارد. در این نوع مواجهه، با واپس راندن عقلانیت منحصراً ابزاری و محوریت انسان خودمختار روبه‌رو هستیم که

به‌خوبی خود را در مقولات ضد اومانیستی بودن فعالیت‌های اقتصادی و نفی خودابرازگرایی نشان داد.

استراتژی دینداران در این هماهنگی به‌کارگیری سازش فعالانه است. در اینجا، دینداران فعالانه بین آموزه‌های دینی و کنش‌های اقتصادی سازگاری ایجاد کرده و از شکاف بین این دو اجتناب می‌کنند. در این هماهنگ‌سازی با عقب‌راندن مفاهیمی مانند هزینه/فایده‌گرایی و جداسازی دین از اقتصاد، تکاثر و تزاید مادی جای خود را به تکلیف، مسئولیت‌پذیری و تولید نیازمحور داده است. توفیق به این معناست: تولید مسئولانه در کنار توجه به نیازهای روز بازار که مبتنی بر رقابت فعالانه در فعالیت‌هایی است که نفع کارخانه/کارگاه و نفع اجتماعی دارد. لذا، در این خوانش از دین‌داری و توفیق اقتصادی انسان اقتصادی جای خود را به انسان اجتماعی داده است و در مرحله بعد با تعبد و توجه به کیفیات دینی و برگزیدن نوعی قبض اختیاری، انسان دینی جای انسان اجتماعی را گرفته است.

از این طریق نوعی بازتوزیع سرمایه اقتصادی در لوای خیرات و کمک‌های مالی به دیگران رخ داده است. به تعبیری، توفیق اقتصادی از طریق هنجارهای متقابل ایجاد شده است و افراد از چیزی که از آن به «برکت» تعبیر می‌کنند، شاهد توفیق اقتصادی خود بوده‌اند. عقلانیت ناشی از این وضعیت، عقلانیتی خیراندیش است ناظر بر این که دین‌داران مورد مطالعه، در بستری تربیت شده‌اند و کنش‌های متقابلشان به گونه‌ای است که کنش‌های اقتصادی و کنش‌های اجتماعی آن‌ها بدون تمایز و تفکیک کارکردی در یک فضای همگرا و هم‌افزا دائماً و متقابلاً همدیگر را تقویت می‌کنند.

همان‌گونه که در یافته‌ها اشاره شد، از نظر مشارکت‌کنندگان خدمت به دیگران در زیست دین‌دارانه بسیار حائز اهمیت است و توفیق اقتصادی با تعهد مسئولانه یعنی برآوردن نیازهای مردم معنا می‌یابد. لذا پیوند و هم‌افزایی دین و اقتصاد یک شبکه عقلانی اقتصادی/دینی را شکل می‌دهد که معیارها و هنجارهای زندگی مطلوب و ارزش‌های غایی را از مسیر جامعه، دیگران و برآوردن نیازهای آن‌ها محقق می‌سازد. افزون بر این،

تولید اقتصادی نیز بدون رانت، انحصار و تولید بازاری رقابتی (به تعبیری بازارگرایی لیبرالی) انجام می‌گیرد. این نگاه، نگاهی فراتر از فایده‌گرایی و خرد ابزاری به دین و اقتصاد است. دین و فعالیت اقتصادی حاصل صرف انتخاب عقلانی نیستند.

در یک رهیافت کلی، مضاف بر نمونه‌های بارز و موجود، در سطح کلان یافته‌های این تحقیق را می‌توان در آراء «ماکس وبر در تمرکز بر پروتستانتیسم»، «ورنر سومبارت در تمرکز بر یهودیت» و تفسیر «ماکسیم رودنسون از پتانسیل اسلام» و یا «کیم در ارزش آموزه‌های کنفوسیوسی در رشد اقتصادی کشورهای آسیای شرقی» مشاهده کرد. توجه وبر به نظم و کارآفرینی با مقوله حساسیت شناختی و موقعیتی و نیز ارزیابی/عملکرد فرایند کار منطبق است. در این مقوله دین‌داران بر سلامت و بررسی همه‌جانبه امور تأکید دارند؛ از این حیث به کنترل امور و نظم‌دهی به‌مثابه یک اصل در توفیق اقتصادی توجه دارند. این نظم دین‌داران برگرفته از الزامات تولید کارخانه‌ای از یک‌سو و آیات و روایات اسلامی از سوی دیگر است. علاوه بر این، او استدلال می‌کند که پیروان مذهب پروتستان از طریق بازتفسیر مبانی دینی و خوانش جدید از آن، معیار «برگزیدگی» و «توفیق الهی» را تغییر داده و تفسیر تازه‌ای از «تقدیر و سرنوشت» ارائه کردند که در آن «مسئولیت و مقام فرد» و اصرار بر ضرورت «سخت‌کوشی و ریاضت» است که مایه رستگاری است. این تعبیر با مقوله توفیق به‌مثابه تعلق عملی نیز هم‌معنا است.

رودنسون بر محوریت تفکر و استدلال در قرآن تأکید دارد و اظهار می‌کند که ایدئولوژی قرآنی دائماً از استدلال خداوند با مسلمانان سخن به میان می‌آورد. در این مطالعه بر محوریت عقلانیت خیراندیش تأکید شد. عقلانیت خیراندیش بر همگرایی خرد و مسئولیت اجتماعی تأکید دارد. جومو نیز بر این استدلال است که آموزه‌های اسلامی بر عقل و رونق اقتصادی تأکید وافر دارد. به نظر جومو، عقلانیت اقتصادی مستتر در اسلام مسلمانان را به تلاش و دستیابی به ثروت تشویق می‌کند. به باور او این زمینه در متون اسلامی از جمله قرآن وجود دارد. دیگر این‌که، معنویت اسلامی مانع از وابستگی و سربار

دیگران بودن می‌شود. از این رو، دین اسلام همواره پیروان خود را به استقلال و انباشت ثروت در حد مکفی تشویق می‌کند.

علاوه بر این، یافته‌ها با پژوهش وصالی (۲۰۰۱) با عنوان «دین و کار در ایران» هم‌سو است. در این پژوهش بر «اخلاق کار» در بین بازاریان تأکید شده است که نشأت گرفته از آموزه‌های دینی افراد است. در این مطالعه نیز بر اخلاق کار توجه شده است که با مقوله توفیق به‌مثابه تعلق علمی به دین قرابت دارد. در این مقوله تأکید کردیم که دین‌داران به عمل به‌مثابه مسیر نیل به دین و خداوند توجه وافر دارند. مطالعه فراهانی‌فرد (۱۳۸۹) نیز مقوله حساسیت شناختی/موقعیتی دین‌داران را تأیید می‌کند که اظهار می‌کند این افراد با توجه به فرایندها، ورودی‌ها و خروجی‌ها، درصدد استاندارسازی رویه‌های تولید خلاقانه و درعین حال مشروع هستند.

مطالعه کریمی (۱۳۸۷) مؤید مقوله حمایت‌گرایی شبکه‌محور است که فرد به‌صورت ناخودآگاه خود را در شبکه‌هایی می‌بیند که هم او را حمایت می‌کنند و هم متقابلاً باید آنها را حمایت کند تا مقبول واقع شود. در بین تحقیقات خارجی نیز این هم‌سویی با مطالعه گارلینگتون (۲۰۱۵)، کرافس (۲۰۰۵)، گریگوریادیس (۲۰۱۷) و لیم و پاتنام (۲۰۱۰) هم‌سو است. در این پژوهش‌ها بر اهمیت دین در جامعه و نقش آن در ارتقای توسعه فردی و اجتماعی تأکید شده است. در این مطالعه نیز تأکید شد که این استراتژی دین‌داران فعالانه بین فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی خود هم‌افزایی ایجاد کرده و از طریق شبکه‌های اجتماعی، رضایت درونی خود را نیز تأمین می‌کنند. این رضایت توفیقی است که خدمت مسئولانه برای آنها ایجاد کرده است.

منابع

- اورشات، ویم‌فون؛ اپیلکا، مایکل و بریگیت، فوافینگر. (۱۳۹۶)، فرهنگ و دولت رفاه، ترجمه: ابوذر قاسمی نژاد، با همکاری محمدعلی ایرانمنش، تهران: موسسه پژوهش تأمین اجتماعی.
- آقانظری، حسین. (۱۳۸۶)، «توسعه سرمایه انسانی بر اساس آموزه‌های اسلام و تأثیر آن بر توسعه انسانی»، *اقتصاد اسلامی*، سال ۷، شماره ۲۶.
- پیغامی، عادل. (۱۳۸۹)، «گستره موضوع شناختی در پژوهش‌های ناظر بر مباحث عدالت و توسعه»، *اقتصاد اسلامی*، سال ۲، شماره ۲، پیاپی ۴.
- رضی، داود. (۱۳۸۸)، «رابطه دین، دولت و توسعه سیاسی: مطالعه تاریخی ایران و ترکیه»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، دوره ۶، شماره ۱: ۱۳۱-۱۶۸.
- رودنسون، ماکسیم. (۱۳۵۸)، *اسلام و سرمایه‌داری*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- زاکرمن، فیل. (۱۳۸۴)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: خشایار دیبیمی، تهران: لوح فکر.
- فراهانی‌فرد، سعید. (۱۳۸۹)، «کارکرد اقتصادی دین اسلام (مطالعه موردی تولید)»، *قبسات*، دوره ۱۵، شماره ۵۶: ۲۷-۵۰.
- کرباسیان، اکبر. (۱۳۷۵)، «نقش مذهب در توسعه اقتصادی»، *گزارش مهر*، شماره ۶۸.
- کریمی، سمیه. (۱۳۸۷)، *بازار تهران: مطالعه انسان‌شناسی اقتصادی*، تهران: نشر افکار و پژوهشکده مردم‌شناسی.
- وبر، ماکس. (۱۳۸۹)، *دین، قدرت و جامعه*، ترجمه: احمد تدین، تهران: شرکت نشر کتاب هرس.
- ویلم، ژان پل. (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی ادیان*، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران: تیبیان.

- Aghili, M. , Kumar G. (2008). *Relationship between Religious Attitude and Happiness among Professional Employees*, Health, Spirituality and Medical Ethics, 2 (4):15-21.
- Aldashev, G, Platteau, J-P (2014). Religion, Culture, and Development, *Handbook of the Economics of Art and Culture*, V 2, PP; 587-631.
- Bäckström, A. and Davie, G., with Edgardh, N. and Pettersson, P. (eds.) (2010) *Welfare and Religion in 21st Century Europe (Volume I): Configuring the Connections*, Farnham: Ashgate.
- Bäckström, A., Davie, G., Edgardh, N. and Pettersson, P. (eds.) (2011). *Welfare and Religion in 21st Century Europe (Volume II): Gendered, Religious and Social Change*, Farnham: Ashgate.
- Bellah, R.N, (1990). *The Good Society*. New York: Knopf.
- Berger, PL (1967). *The Sacred Canopy: Elements of a Sociological Theory of Religion*. Garden City, NY: Anchor Books.
- Colón-Bacó, Enrique (2010). *The Strength of Religious Beliefs is Important for Subjective Well-Being*, Produced by The Berkeley Electronic Press, Boston College.
- Durkheim, E. (1995). *The Elementary Forms of Religious Life* [1912]. New York: Free Press.
- Durkheim, Emile (1947). *The Elementary Forms of the Religious Life* ,Free Press,New York.
- Eisenstadt, S. N. (1989). Max Weber on Western Christianity and the Weberian Approach to Civilizational Dynamics, *Canadian Journal of Sociology / Cahiers canadiens de sociologie*, Vol. 14, No. 2, pp. 203-223.
- George L. K., Ellison C. G., Larson D. B. (2002) , Explaining the relationships between religious involvement and health. *Psychol. Inq.* 13, 190–200. 10.1207/S15327965PLI1303_04
- Grigoriadis, T (2017). Religion, administration & public goods: Experimental evidence from Russia, *Economic Modelling*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.econmod.2017.05.014>
- Hjeltn, T (2011a) *Religion and social problems: three perspectives*. New York, NY and London: Routledge,1–11.
- Jawad, R. (2012). Religion. In: *Alock, P., May, M & Wright, S., eds. (The Students Companion to Social Policy Companion.* 4th ed. Chichester: Wiley, PP. 160-165.

- Jomo, K.S. (1992). "Islam and Capitalist Development: A Critique of Rodinson and Weber" in *Islamic Economic Alternatives*, (ed). K.S. Jomo. London, Macmillan.
- Khan, M.F. (1997). "*Social Dimensions of Islamic Banks in Theory and Practice*", Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank.
- King P. E., Boyatzis C. (2015) , "Religious and spiritual development" in *Handbook of child psychology and developmental science: Socioemotional*.
- Koenig, H.G., McCullough, M.E. and Larson, D.B. (2001). *Handbook of Religion and Health*. New York: Oxford University Press.
- Krafess, J. (2005). "The influence of the Muslim religion in humanitarian aid", *International Review of the Red Cross*, Vol. 87 No. 858, pp. 327-342.
- Lessnoff, M.H. (1994). *The Spirit of Capitalism and the Protestant Ethic: An Enquiry into the Weber Thesis*. Aldershot, Edward Elgar.
- Lim, C & Putnam, D.R (2010). Religion, Social Networks, and Life Satisfaction, *American Sociological Review*, Vol. 75, No. 6, pp. 914-933
- Litalien, M (2016). *Religion and Social Welfare*, Department of Social Welfare and Social Development, DOI:10.13140/RG.2.1.2046.6324.
- Markides, Kyriakos S. (1983). "Aging, Religiosity, and Adjustment: A Longitudinal Analysis." *Journal of Gerontology* 38: 621-25.
- McCleary, R. and Barro, R.J. (2006). Religion and Economy. *Journal of Economic Perspectives*, 20(2). 49-72.
- Mehden, f.f (2002), *Religion and development in South-east Asia: A comparative study*, *World Development*, V 8, N 7-8, Pp: 545-553.
- Molokotos-Liederman, L (2010). Religion as a Solution to Social Problems: A Christian Orthodox Approach, LONDON.
- Munhall P., (2010). "Nursing Research: A qualitative perspective, Jones and Bartlett publisher in qualitative research methods"(pp. 086-219). Thousands Oaks, CA:Sage
- Parsons, T (1961). "Introduction to Part IV, 'Culture and the Social System.'" *Theories of Society*, Glencoe: Free Press.
- Spenkuch,j.l (2016). Religion and work: Micro evidence from contemporary Germany, *Journal of Economic Behavior & Organization*, Volume 135,Pp 193-214.
- Vesali, S. (2001). *Religion and Work in Iran*. New Dehli: National Book Orgnaiization.